

نقش بانک کشاورزی در فقرزدایی و افزایش درآمد روستاهای زاهدان

بهروز هاشم زهی^۱، احمد اکبری^۲، مهدی صفدری^۳، مهدی هاشمی تبار^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصادکشاورزی دانشگاه سیستان و بلوچستان

استاد گروه اقتصادکشاورزی دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۳ دانشیار گروه اقتصادکشاورزی دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۴ استادیار گروه اقتصادکشاورزی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

کمبود سرمایه در بخش کشاورزی که ناشی از پایین بودن سطح درآمد و در نتیجه ناچیز بودن میزان پس انداز خانوارها می باشد یکی از مشکلات توسعه بخش کشاورزی است. این وضعیت علاوه بر اینکه امکان افزایش ظرفیت بخش های تولیدی و بکارگیری ن آوری های نوین را در فرآیند تولید در این مناطق با محدودیت مواجه ساخته است، موجب بروز مشکلات اجتماعی چون مهاجرت روستاییان به شهرها، بیکاری پنهان و آشکار و کاهش سطح زندگی خانوارها شده است. از این رو انتظار می رود که تسهیلات اعتباری مؤسسات رسمی، وسیله مناسبی برای روند انتقال و تسریع در امر توسعه کشاورزی باشد. روش تحقیق در این تحقیق که دارای دو بخش نظری و تجربی است، در بخش نظری از روش اسنادی و کتابخانه ای و در بخش تجربی از روش پیمایش استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل از یک مدل ادغام داده ها و سری زمانی بین شهرستانهای سیستان و بلوچستان در برخی سالهای ۹۶-۱۳۹۰ استفاده شده است، کارشناسان بر اعتبارات کشاورزی و ارایه خدمات حمایتی مناسب به کشاورزان به عنوان عوامل تقویت کننده جریان توسعه کشاورزی، تأکید می کنند، کشاورزی تنها شغل پایدار بخش روستایی و بانک کشاورزی حامی این بخش است و به ویژه در شرایط تحریم، بخش کشاورزی می تواند مزیت رقابتی ما در بازارهای بین المللی و صادرات غیر نفتی باشد و در این راستا بانک کشاورزی با حمایت مالی از توسعه مکانیزاسیون، بهبود روش های کشت و پشتیبانی از تحقق کشاورزی اقتصادی، سهم به سزایی در افزایش تولیدات صادرات محور، بهبود کیفی و استانداردسازی محصولات کشاورزی و در نتیجه توسعه پایدار این بخش دارد

واژگان کلیدی

توسعه پایدار، کشاورزی، اعتبارات بانکی، سرمایه،

مقدمه

اهمیت سرمایه گذاری و نقش آن در رشد اقتصادی، مسئله ای است که حجم قابل توجهی از نظریه های اقتصاد کلان و توسعه را به خود اختصاص داده است (نظری وعادلی، ۱۳۹۰). در اغلب این مباحث سرمایه گذاری به عنوان موتور رشد اقتصادی جوامع مطرح شده و تاثیر معناداری در رشد و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها دارد. از سویی دیگر بهبود تولید محصولات کشاورزی و شرایط زندگی جمعیت روستایی به طور وسیعی به انتقال کشاورزی سنتی به یک کشاورزی پیشرفته بستگی دارد. سیاست گذاران به منظور کمک بخشیدن و تسريع در امر انتقال کشاورزی، سیاست اعتبارات ارزی خود را مدنظر قرار داده اند. به اعتقاد آن ها معیشتی بودن سیستم کشاورزی موجب عدم رشد مالی بهره برداران و ضعیف ماندن بنیه مالی آن ها شده است (کلانتری و همکاران ۱۳۸۹). از طرفی شاخص های توسعه عمده ترین معیار برای هدف گذاری، برنامه ریزی و ارزشیابی طرح های توسعه روستایی به شمار می روند. با بهره گیری از این معیارها می توان پیشرفت و یا تاثیر طرح ها و پروژه های توسعه روستایی را در رسیدن به اهداف ارزیابی نمود، در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها، اعطای اعتبارات خرد (تامین مالی خرد) راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت های شغلی جدید به ویژه فعالیت های خود اشتغالی، در جهت مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است و برخی کشورها در این زمینه به توفیق های چشمگیری دست یافتند. چنین تجربه ای در کشورهای گوناگون بیانگر اثر این اعتبارات و تسهیلات بر کاهش نابرابری ها و ایجاد معیشت پایدار خانوارهای روستایی از طریق ایجاد فرصت های شغلی جدید است.

بیان مسئله

دستیابی به رشد پایدار کشاورزی از جمله مسائل اساسی است که دولت ها و کشورهای با درآمد پایین و متوسط با آن مواجه می باشند. ایجاد چنین رشدی به تمایل دولت ها در زمینه فقرزدایی، ضرورت ساماندهی عرضه غذای کافی و توجه به نقش کلیدی که بخش کشاورزی می تواند در توسعه فراگیر اقتصادی کشورها ایفا نماید، بستگی دارد. به دلیل کمبود غذا، فقدان فناوری های جدید، کاهش سرانه اراضی کشاورزی، فراهم نبودن بستر مناسب برای سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه و پدیده جهانی شدن شرایط خاصی را برای بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است. شرایط موجود مبین نقش بسیار حیاتی کشاورزی در حال و آینده بوده و بر توجه بیشتر به مقوله توسعه و سرمایه گذاری در این بخش تاکید دارد. یکی از مهمترین نهاده های مورد نیاز برای انجام تمام فعالیت های اقتصادی، وجود نهاده سرمایه است که می تواند در قالب تسهیلات و وام های بانکی تبلور یابد. بخش کشاورزی به دلایلی همچون ایجاد درآمد، اشتغال گسترده، توازن در بازار کار و سرمایه و بسیاری مسایل دیگر از اهمیت بسزایی در اقتصاد ایران برخوردار است و استفاده از راهبرد تسهیلات و اعتبارات نقش مهمی در توسعه بخش کشاورزی بازی می کند. موسسات مالی و اعتباری به ویژه بانک کشاورزی نیز نقش عمده ای در تامین نیازهای اعتباری تولید کنندگان بخش های مختلف کشاورزی بر عهده دارند. با این وجود مجموع اعتبارات و تسهیلات قابل اعطاء به متقاضیان در بخش کشاورزی محدود بوده و از سوی دیگر، تعداد متقاضیان و زیر بخش های متقاضی این تسهیلات نیز زیاد می باشند (باخنده رو و همکاران، ۱۳۹۶)

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها، اعطای اعتبارات خرد (تامین مالی خرد) راهکاری مناسب برای ایجاد فرصتهای شغلی جدید به ویژه فعالیتهای خوداشتغالی، در جهت مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است.

۱. کمبود سیاست ها و برنامه های تشویقی مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی و تولید تجاری در بخش کشاورزی.
۲. عدم وجود ساز و کار ارشادی برای هدایت منابع بخش خصوصی در جهت سرمایه گذاری تولیدی.
۳. فراهم نبودن زمینه های جلب سرمایه گذاری خارجی به ویژه عدم شفافیت قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت های اقتصادی و وجود ریسک های سیاسی، اقتصادی و اجرایی.
۴. عدم توسعه نهادها و بازار مالی کشاورزی و فقدان ابزارهای مالی مناسب جهت تامین مالی طرح های میان مدت و بلند مدت بخش کشاورزی (دشتی، ۱۳۹۵)

از آنجا که اقتصاد کشورهای جهان سوم اغلب متکی به کشاورزی است و فعالیتهای کشاورزی هم غالباً در روستاها انجام میشود. در این میان بانک کشاورزی با فراهم آوردن امکانات اعتباری برای زندگی بهتر در روستا، ارتقا سطح درآمد روستاییان و افزایش تولیدات کشاورزی است (علی وفایی و توحیدی مقدم، ۱۳۹۵) بدون تردید بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور بخصوص در زمینه تامین نیازهای اساسی جامعه و رونق اقتصادی سایر بخش ها، نقش حیاتی و استراتژیک ایفاء می نماید اما، بخش کشاورزی دارای ریسک بالایی است. بنابراین گیرندگان تسهیلات در بخش کشاورزی دارای در مقایسه با فعالان و تولیدکنندگان سایر بخش ها همانند صنعت و خدمات به میزان بیشتری با خطر و نااطمینانی ناشی از عوامل طبیعی و نوسانات فروش محصولات، درآمد اندک و ثابت کشاورز، پایین بودن سطح تکنولوژی و فقدان دارایی لازم روبرو هستند. بانک کشاورزی به عنوان عمده ترین موسسه اعتباری تخصصی عهده دار تامین منابع موردنیاز بخش کشاورزی می باشد، لذا از یک طرف بخاطر بهبود بخشیدن به روش های سنتی تولید کشاورزی و بهره برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی و متعاقب آن تخفیف گرسنگی و محو فقر و از طرف دیگر به منظور نوسازی اجتماعی و فرهنگی روستاها، که خود منشاء گرفته از توجه به مسائل انسانی و ضرورتهای سیاسی است. بنابراین توسعه روستا بخاطر حل مشکلات و برآوردن نیازهای اساسی مردم روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است

روش تحقیق

در این تحقیق که دارای دو بخش نظری و تجربی است، در بخش نظری از روش اسنادی و کتابخانه ای و در بخش تجربی از روش پیمایش استفاده شده است. پیمایش عام ترین روش تحقیق در علوم انسانی است. روشی است برای گردآوری داده ها که در آن از گروه های معینی از افراد خواسته می شود به تعدادی پرسش مشخص پاسخ دهند. این پاسخ ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می دهند، در واقع برای نشان دادن نابرابری های درآمدی از درآمد سرانه برای کاهش فقر در اقتصاد کشاورزی و مهاجرت روستاییان زاهدان از یک مدل ادغام داده ها و سری زمانی بین شهرستانهای سیستان و بلوچستان در سال های ۹۶-۱۳۹۰ استفاده شده است

برای نشان دادن اثر اعتبارات خرد بر کاهش فقر و افزایش درآمد، سعی شده است از شاخص های مرتبط با آن متغیرها استفاده شود، متغیرهای مورد استفاده در این مدل به شرح ذیل هستند:

$Yiy =$ درآمد سرانه میان مناطق (شاخص نابرابری‌های درآمدی و فقر)

X1it: ابعاد خانوار (کاهش فقر)

X2it: نرخ اشتغال (افزایش درآمد)

X3it: نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کل تسهیلات (شاخص اعتبارات خرد)

* (تعداد روستاها) و t نشان‌دهنده زمان است که در این مدل است

الگوی تجربی برای برآورد در ایران وبومی شده در روستاهای شهرستان به شرح ذیل است:

درآمد سرانه میان مناطق

درآمد سرانه به معنی میانگین درآمد مردم یک منطقه یا کشور در طول مدت مشخصی است.

کاهش فقر

باید مجموعه‌ای از کالاهای اساسی شامل مواد غذایی و غیرغذایی، که برای تأمین نیازهای اولیه و ادامه حیات افراد ضرورت دارد، تعیین شود سپس درآمد لازم برای خرید این مجموعه به قیمت‌های رایج محاسبه گردد. اگر مواد غذایی را با X_f و قیمت‌های آنها را با P_f و مواد غیرغذایی را با X_{nf} و قیمت آنها را با P_{np} نشان دهیم، خط فقر مطلق محاسبه خواهد شد.

افزایش درآمد

در یک مطالعه تجربی که بلجر و گوررو (۱۹۹۰) با عنوان "اثرهای سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد، یک مطالعه تجربی از کشور فیلیپین" انجام دادند، برای ارزیابی اثرهای سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر توزیع درآمد در کشور فیلیپین ارائه شده است.

که در آن: SL / SH نسبت سهم دهک پایین درآمدی به دهک بالای درآمدی، P تابع بهره‌وری، U بیکاری، E نرخ واقعی ارز، g مخارج واقعی دولت، γ نرخ واقعی بهره، π نرخ تورم، t روند زمانی.

جدول ۱- ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی

نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره t (Prob)
درآمد سرانه میان مناطق	Employment rate	0.1367	0.0345	3.9670	0.0001
کاهش فقر	Household Dimensions (Poverty Index)	0.1821	0.0467	3.9000	0.0001
افزایش درآمد	Employment rate (increase in income)	-0.2833	0.0626	-4.5248	0.0000
نسبت تسهیلات قرض الحسنه	Relative facility facilities	0.0024	0.0009	2.6594	0.0080
بازده دارایی ها	ROA	0.2162	0.0322	6.7180	0.0000
اهرم مالی	LEV	-0.1068	0.0099	-10.7999	0.0000
عمر	Age	0.0072	0.0064	1.1203	0.2629
مقدار ثابت	C	-0.1167	0.0387	-3.0178	0.0026
ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R^2	احتمال آماره F (Prob)	آماره F	آماره دوربین- واتسون	آماره
۰/۵۸۶۳	۰/۵۷۹۱	۰/۰۰۰۰	۲۵/۸۴۷۲	۱/۹۱۲۸۸	

علاوه بر آزمون فرض های کلاسیک رگرسیون خطی، برای معنی دار بودن کل رگرسیون که از پیش فرض های اصلی برای استفاده از رگرسیون می باشد از آزمون F استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول فوق مشاهده می شود که مقدار احتمال آماره F برابر ۰/۰۰۰۰ بوده که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیونی پژوهش می باشد و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد. در این راستا ضریب تعیین تعدیل شده مدل رگرسیونی پژوهش بیان کننده میزان مربوط بودن متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد. مطابق با نتایج جدول فوق، ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۷۹۱ است و این بیانگر آن است که تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل شامل در الگوی رگرسیونی پژوهش تقریباً برابر با ۵۸ درصد توضیح داده می شوند.

ویژگی ها و چالش های بازارهای مالی کشاورزی

بخش کشاورزی دارای ویژگی ها و جنبه های اطلاعاتی خاص است. این ویژگی ها عرضه و تقاضای خدمات مالی را محدود ساخته و حتی نقایص بازارهای مالی را دامن می زند. پراکندگی فضایی، عدم تجانس خاک ها و آب و هوا میان مناطق و در درون آنها و تغییرات زیاد جوی در طی زمان و مکان، تولید کشاورزی را به صورت فعالیتی خاص درآورده است. علاوه بر وجود این شرایط، عدم تقارن اطلاعات و عدم آگاهی از بروز مشکلات، وجود اختلاف درآمدی بین کشاورزان (که از نوسانات جوی و قیمت بر کلیه تولیدکنندگان مشابه در یک منطقه ناشی می شود را افزایش می دهد (نتاج وهمکاران، ۱۳۹۲).

تعیین اثرهای پراکندگی فضایی تولید، عوامل خاص مکانی و شوک های برونزا بر عواید، به پیچیدگی کار موسسات مالی در شناسایی وضعیت مشتریان می افزاید. وجود عوامل مذکور و شرایط خارج از کنترل، بر نتایج ارزیابی تأثیر گذاشته و سطح فعالیت ها را کمتر از حد بهینه نشان می دهد. از این رو آگاهی موسسات مالی از شرایط وام گیرندگان خیلی پرهزینه است. در نتیجه وام دهندگان به خاطر عدم آگاهی کامل از میزان ریسک فعالیت های وام گیرندگان، احساس خطر کرده و سطح ریسک (احتمال نکول) را تعدیل می-کنند. بدین ترتیب وام گیرندگان با انجام اقدامات فرصت جویانه در جهت کسب سود قرار دهند. ممکن است وام دهندگان را در معرض کژمنشی قرار دهند.

وام دهندگان قادر نیستند تأثیرپذیری درآمدهای کشاورزی از عوامل مختلف را در میان وام گیرندگان محلی متنوع سازند. اما در میان مناطق با محصولات و آب و هوای مختلف تنوع بخشی سبدهای دارایی موسسات مالی امکان پذیر است. جریان وجوه تحت تأثیر فصل کشت و چرخه های محصول قرار دارد. بدین صورت که پس از برداشت محصول، سپرده های کشاورزان افزایش می یابد و تقاضای دریافت وام اغلب در فصل کشت انجام می شود و این مسئله واسطه گری مالی محلی را دشوار می سازد. بنابراین انگیزه واسطه گری مالی و متنوع سازی، عملیات در فضاهای وسیع (جغرافیایی و بخشی) را برای موسسات مالی مطرح می سازد (مظفری و ضیایی، ۱۳۹۶).

به علاوه بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان بازارهای مالی کارآمد، با مشکل جدی مواجه است. این بازارها قادر نیستند منابع مالی مورد نیاز را برای سرمایه گذاری و توسعه بخش فراهم آورند. در واقع عوامل گوناگونی موجب حضور کم رنگ واسطه گری های مالی رسمی و عملکرد ضعیف بانک های توسعه کشاورزی شده است. سیاست های اقتصاد کلان نامناسب؛ سیاست های بخشی دوگانه بین شهر- روستا و کشاورزی - غیرکشاورزی، تصور فقدان سودآوری و ضعف ساختاری نهادها و بازارهای مالی کشاورزی و مداخلات ناکارآمد دولت در این بازارها موجب عدم توسعه یافتگی واسطه گری مالی برای بخش کشاورزی گردیده است. به طور کلی چالش ها و تنگناهای بازارهای مالی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بدین شرح است (شاهرخی همکاران، ۱۳۹۶)

سیاست ها و مداخلات ناکارآمد دولت

در اتخاذ سیاست های بخشی و در تدوین چارچوب های قانونی و مقرراتی، گرایش گسترده ای به حمایت از بخش صنعت و توجه به جوامع شهری وجود دارد. سیاست های تجاری نامناسب نظیر کنترل قیمت های محصولات کشاورزی و قیمت های

پایین فصلی، تعرفه های بالا بر صادرات محصولات کشاورزی، ارزش-گذاری بیش از حد نرخ های ارز و سیاست های ناظر بر واردات مواد غذایی که با هدف حفظ سطح رفاه شهرنشینان اتخاذ می شود باعث کاهش قیمت محصولات کشاورزی و درآمد کشاورزان می شود. همچنین سرمایه گذاری اندک در زیرساخت های روستایی و نیروی انسانی ساکن در روستاها، حمایت زیاد از صنایع داخلی و بویژه صنایع تأمین کننده نهادهای کشاورزی و الزامات قانونی و مقرراتی ناکارآمد درباره رهن و وثیقه برای دارایی های روستایی در مقایسه با دارایی های شهری از دیگر سیاست های تبعیض آمیزی است که موجب تضعیف بخش کشاورزی می گردد، علاوه بر این دخالت دولت ها که به دنبال هدایت سرمایه های خود و آژانس های کمک کننده به بخش کشاورزی صورت می گیرد باعث تشدید بسیاری از مشکلات در بازارهای مالی کشاورزی - روستایی شده است. وضع نرخ های بهره پایین و اعطای اعتبارات یارانه ای و در عین حال محدود در بخش کشاورزی موجب افزایش تقاضای دریافت تسهیلات و برخورداری ثروتمندان دارای وثیقه و کشاورزان دارای ارتباط بهتر از آن شده و منجر به بیرون راندن کشاورزان فقیر گردیده است. در نتیجه، نابرابری درآمدی تشدید شده و دسترسی فقرا به اعتبار کاهش یافته است. بنا به دلایل سیاسی در بسیاری از موارد حذف اعتبارات یارانه ای مشکل است. علاوه بر این غالباً دولت ها موسسات مالی کشاورزی را در مقام مجاری پرداخت در نظر می گیرند و مشتریان و وام گیرندگان اغلب وام های کوچک را به منزله کمک های بلاعوض که اجباری به بازپرداخت آن نیست تلقی می کنند. افزون بر این دولت ها بانک های تخصصی کشاورزی و موسسات مالی کشاورزی را ملزم به وام دهی صرف به فعالیت های کشاورزی نموده و در نتیجه باعث افزایش ریسک این قبیل موسسات مالی شده اند و چنین تصویری را ایجاد کرده که وام دهی به کشاورزی فعالیتی خاص است و تلاشی در جهت ارتباط آن با بازارهای مالی وسیع تر صورت نگرفته است (موحدی و توکلی، ۱۳۹۶).

تنگناهای بازارهای مالی و موانع واسطه گری مالی

در کشورهای در حال توسعه سیاست های اقتصاد کلان نامناسب عملکرد بازارهای مالی را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین اتخاذ سیاست های بخشی نظیر کنترل های قیمتی، سیاست های تجاری و اولویت های سرمایه گذاری دولت باعث تحریف در تخصیص منابع از طریق واسطه گری های مالی می شود. به علاوه وجود محدودیت های قانونی و مقرراتی موجب افزایش نااطمینانی و کاهش بازده انتظاری برای اعتباردهندگان در معاملات مالی شده و هزینه های معاملاتی را افزایش می دهد و از عرضه اعتبار و سپرده ها می کاهد. افزون بر این ها تنگناهای بازارهای مالی مانند عدم انعطاف این بازارها و اطلاعات ناقص، از تخصیص بهینه منابع جلوگیری می کند. این محدودیت ها به طور کلی بر واسطه گری و معاملات مالی در بخش کشاورزی تأثیرگذار است (سهرابی و فافا، ۱۳۹۲).

فصلی بودن چرخه تولید و فروش محصولات کشاورزی و وجود شوک های زیاد درآمدی و قیمتی تولیدات، ریسک های واسطه گری مالی را افزایش می دهد. به علاوه عموماً کشاورزان در روستاها سکونت داشته و در بسیاری از کشورها، تراکم جمعیت در این مناطق کم و مردم عمدتاً فقیر هستند. از این رو درآمد پایین و پس انداز اندک کشاورزان و کوچک بودن وام ها باعث افزایش هزینه معاملاتی در بازارهای مالی می شود. همچنین کشاورزان متقاضی وام وثیقه کافی و متعارف مورد نیاز بانک های تجاری را در اختیار ندارند. مضاف اینکه کمبود زیرساخت ها و وسایل ارتباطی و نبودن ارتباط کامل با سایر بازارها باعث پراکندگی و تعدد بازارها و در نتیجه محدود شدن جریان اطلاعات و افزایش ریسک می گردد. به طور کلی واسطه گران مالی و مشتریانشان به اطلاعات جامعی برای تعیین ریسک معاملات و محیط اقتصادی و سیاسی با ثبات برای تکمیل قرارداد در طول زمان نیاز دارند. ولی

نداشتن آزادی عمل برای موسسات مالی در ارزشیابی ریسک مشتریان و نیز عدم انعطاف شرایط قراردادی در پرداخت تسهیلات از دیگر محدودیت های واسطه گری مالی می باشد. در نتیجه ضعف بازارهای مالی و دامنه محدود خدمات مالی بخش رسمی، فعالیت بخش غیررسمی گسترش یافته و نرخ های بهره بالا در بازار مالی غیر رسمی را موجب شده است. افزون بر این، تهدید پس انداز کشاورزان و ناگزیر بودن به نگه داری پس اندازها در جایی امن یکی دیگر از معضلات می باشد (طالب مرندی و همکاران، ۱۳۹۴).

سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری در گرو سرمایه گذاری های مولد و فعالیت های تولیدی آن و به خصوص فعالیت های درون جوش است. از موانع رشد و توسعه کشورهای در حال توسعه، کمبود سرمایه و عدم بکارگیری صحیح و اصولی منابع سرمایه ای موجود است. ولی همانطوری که سرمایه به عنوان یکی از مهمترین عوامل رشد و پیشرفت اقتصادی شناخته شده است، استفاده بهینه و کاراتر از سایر عوامل تولید مانند کار و یا عامل زمین در کشاورزی نیز از اهمیت فراوانی برخوردارند. با توجه به اینکه سرمایه، یکی از مهم ترین نهاده های تولید به شمار می آید. این نهاده نقش به سزایی در افزایش سطح تولید فعالیت های اقتصادی و در نتیجه افزایش بهره وری سایر عوامل تولید دارد. در بخش کشاورزی نیز سرمایه و سرمایه گذاری عنصر کلیدی رشد و توسعه محسوب می گردند. از سویی دیگر سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران با موانع و چالش های اساسی مواجه است که برخی از آن ها عبارتند از (وفایی و نادری مهدی، ۱۳۹۶):

۱. عدم امنیت سرمایه گذاری در سطح اقتصاد کلان و کمبود زیربنای مناسب برای توسعه بخش کشاورزی
 ۲. وجود تنگناهای ساختاری در بخش کشاورزی از جمله بالا بودن نرخ بیسوادی در میان کشاورزان و کوچک بودن اندازه مزارع و واحدهای اقتصادی که به کارگیری روش های نوین آبیاری و تولید را محدود می سازد.
 ۳. سودآوری اندک در بخش کشاورزی به دلیل کوچک بودن مقیاس واحد بهره برداری و فعالیت ها و بالا بودن مخاطرات که منجر به کاهش تمایل به سرمایه گذاری در این بخش، گریز وام و سرمایه و جذب آن در سایر بخش های اقتصادی به ویژه بخش غیرمولد شده است.
 ۴. کمبود سرمایه گذاری در زمینه ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی.
- حال اگر سرمایه ها و منابع پولی لازم و کافی در اختیار بخش کشاورزی قرار گیرد، قطعاً از زمین، به عنوان یک عامل مهم تولیدی، استفاده بیشتری می توان برد. در مباحث اقتصادی یکی از مرسوم ترین راه های تأمین سرمایه واحدهای تولیدی، اعطای اعتبار و رفع نیازهای پولی آنها توسط سیستم بانکی کشور است.
- سرمایه گذاری در بخش کشاورزی از منابع مختلفی تأمین مالی می گردد که برخی از آن ها عبارتند از: منابع بخش غیردولتی، اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای دولت (اعتبارات عمرانی)، تسهیلات نظام بانکی با ارائه تسهیلات ارزان قیمت به بخش

کشاورزی سعی در افزایش سرمایه گذاری در این بخش نموده است که میزان تاثیر آن بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی و همچنین تعیین نقش سایر عوامل موثر بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی موضوع بحث در این بخش می باشد (عبدالهی ۱۳۸۵).

عوامل موثر سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

۱. اعتبارات عمرانی:

یکی از موثرترین عوامل در سرمایه گذاری بخش کشاورزی اعتبارات عمرانی می باشد. تاثیر آن بر سرمایه گذاری در ساختمان و ماشین آلات بخش کشاورزی می تواند متفاوت باشد. زیرا با توجه به اینکه اغلب سرمایه گذاری دولت در امور زیربنایی مثل سد، آب بند و نهرها است، لذا انتظار براین است که اثر آن بر سرمایه گذاری ساختمان معنی دارتر از سرمایه گذاری ماشین آلات باشد.

۲. افزایش درآمد ملی:

با توجه به نظریه های موجود، افزایش در درآمد ملی از جمله عوامل موثر بر سطح سرمایه گذاری کل است، لذا انتظار براین است که ارزش افزوده این بخش بر سطح سرمایه گذاری بخش کشاورزی نیز موثر باشد.

۳. نرخ بهره:

از جمله عوامل موثر بر سرمایه گذاری نرخ بهره می باشد. به دلیل حرمت ربا در اسلام، نرخ بهره به طور رسمی در اقتصاد ایران وجود ندارد. نرخ بهره ی غیررسمی نیز بیش تر برای تامین سرمای در گردش مورد استفاده قرار می گیرد و لذا بر تشکیل سرمایه ی ثابت تاثیر کمی دارد. انتظار بر این است که نرخ سود بانکی که به نوعی جایگزین نرخ بهره شد نیز تاثیر زیادی بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی نداشته باشد. زیرا نرخ سود در نظر گرفته شده برای تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی همیشه کم ترین نرخ در بین تسهیلات اعطایی نظام بانکی بوده است و از همین رو تقاضا برای تسهیلات به بخش کشاورزی بدون در نظر گرفتن نرخ بهره وجود داشته است.

۴. تسهیلات بانکی:

از جمله متغیرهای مهم دیگری که می تواند بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی موثر باشد، تسهیلات بانکی است. تسهیلات بانکی یکی از مهم ترین راه های تامین مالی سرمایه گذاری در اقتصاد است، به همین دلیل دولت ها همیشه سعی داشته اند با تکلیف نظام بانکی به اعطای تسهیلات ارزان قسمت به بخش کشاورزی، سرمایه گذاری در این بخش را تحت تاثیر قرار دهند. مدت بازپرداخت این گونه تسهیلات توسط کشاورزان است. بدین معنی که انتظار براین است که تسهیلات با مدت بازپرداخت بالاتر اثر بیش تری بر سرمایه گذاری داشته باشد. در این میان باد توجه نمود که به دلیل پایین بودن نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی، تمایل به اخذ وام در این بخش زیاد می باشد و غالبا صف های طویلی برای دریافت وام، خصوصا وام های مدت دار وجود داشته باشد. همچنین با توجه به سودآوری بالاتر این گونه وام در سایر بخش های اقتصاد ایران، خصوصا بخش خدمات و فعالیت های سفته بازی، تمایل به استفاده از این نوع وام ها بالاست. طبق گزارشات منتشره در سال های اخیر روند اعطای تسهیلات به سمت پرداخت تسهیلات کوتاه مدت سوق یافته است.

این امر اگرچه موجب سودآوری هرچه بیشتر نظام بانکی می گردد، لیکن اثر آن بر سرمایه گذاری می تواند کمتر باشد. نکته دیگر پیرامون تسهیلات بانکی اینکه، وجود قوانینی جهت استمهال وام های پرداختی به کشاورزان روستایی، به دلایل مختلف از جمله خشکسالی می باشد. بدین معنی که در برخی سال ها، خصوصا سال های اخیر به دلیل خشکسالی، وام های کشاورزان برای مدتی استمهال می گردد (نصراللهی؛ بامری و سادات هاشمی، ۱۳۹۲)

بهره گیری از اعتبارات خرد در کشاورزی

در مباحث توسعه روستایی و کشاورزی یکی از راه حل های رفع مشکل مالی کشاورزان، اعطای اعتبارات کوچک مقیاس است که نقش مهمی در تمرکز و جهت دهی به سرمایه های اندک روستاییان و ایجاد مشارکت و کار گروهی دارد. استفاده از اعتبارات خرد، به عنوان یک مداخله غیرمستقیم در توسعه، مورد توجه اغلب مکاتب فکری توسعه قرار گرفته است، این شیوه با گسترش بازارهای جدید و ارتقای فرهنگ مدیریتی، زمینه مناسبی برای حکمرانی کارآمد دولت در توسعه کشاورزی فراهم می سازد، این امر به ویژه پس از اینکه تصمیم گیران و کنشگران برنامه ریزی در بخش کشاورزی از نتایج منفی برنامه های اعتباری نظارت شده مستقیم آگاهی یافتند، بیشتر ملموس گردید و لذا شیوه پرداخت اعتبارات به کشاورزان از شکل دولتی کلان به اعتبارات خرد تغییر یافت که اعطای این نوع اعتبارات با همکاری موسسات اعتباری غیردولتی و محلی صورت می گیرد، عمده اعتبارات خرد، تامین شدن سریع و آسان، عدم نیاز به وثیقه سنگین و سهم آورده، بی توجهی به سودآوری در ارائه خدمات اعتباری و ... است. دسترسی به اعتبارات خرد در توسعه کشاورزی در مناطق روستایی، شرط ضروری است و نه کافی. لذا سایر شرایط نیز مانند تهیه زیرساخت ها، سرمایه انسانی، اطلاعات، عوامل اجتماعی و فرهنگی در این امر دخیل هستند (سلیمی و همکاران ۱۳۹۲).

اعتبارات بانک کشاورزی

یکی از موانع اصلی رشد و توسعه اقتصادی هر بخش تولیدی، به ویژه بخش کشاورزی، کمبود سرمایه و عدم به کارگیری درست و اصولی منابع سرمایه ای موجود است. در این میان در بسیاری از مواقع، فعالیت های بخش کشاورزی باتوجه به پراکندگی مزارع کشاورزی و دسترسی محدود کشاورزان به اطلاعات و امکانات در کوتاه مدت، فعالیت کم بازده تلقی شده و همواره برای سرمایه مورد نیاز خود با مشکل مواجه است (لطفی، احمد زاده ماشین چی، ۱۳۸۶).

ادامه این وضعیت توسعه مناطق روستایی و کشاورزی و تولیدات مواد غذایی را در بلندمدت به مخاطره می اندازد. یکی از راه های تامین سرمایه بنگاه های اقتصادی، اعطای اعتبار از سوی نظام بانکی هر کشور به بخش های اقتصادی از جمله بخش کشاورزی به منظور رشد و توسعه این بخش در دستور کار بانک های تخصصی قرار گرفت. اعتبارات بخش کشاورزی از منابع مختلفی تامین می گردد که در این میان بانک های تجاری و بانک تخصصی کشاورزی به عنوان منابع رسمی و دلالت، سلف خردان به عنوان منابع غیررسمی می باشند. بالا بودن نرخ بهره منابع غیررسمی موجب بروز مشکلاتی برای کشاورزان در تامین اعتبارات مورد نیاز بخش کشاورزی شده است به همین دلیل استفاده از خدمات منابع رسمی مخصوصا بانک کشاورزی بسیار حائز اهمیت می باشد (همان). در طول سال های فعالیت بانک کشاورزی تسهیلات پرداخت شده این بانک از منظر منابع به دو دسته تسهیلات تکلیفی و غیر تکلیفی تقسیم می شود. در نوع اول بانک های دولتی بر اساس تبصره های قوانین بودجه مکلف به پرداخت وام به کشاورزان روستایی می باشند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶)

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب تبصره های قانون بودجه کل کشور موظف است منابع مالی مورد نیاز برای اعطای تسهیلات تکلیفی ناشی از تبصره های مذکور را از محل منابع سایر بانک ها تامین کرده و در اختیار بانک کشاورزی قرار دهد. بدین ترتیب تعهدات بانک کشاورزی برای پرداخت تسهیلات تکلیفی به بخش کشاورزی با استفاده از تسهیلات بین بانکی انجام می گیرد و بانک کشاورزی به عنوان بانک تخصصی در بخش کشاورزی هرساله به میزان قابل توجهی از تسهیلات تکلیفی مصوب قانون بودجه کل را پرداخت می نماید (فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱).

تسهیلات غیر تکلیفی آن دسته از تسهیلات هستند که بانک راسا و از منابع داخلی خود در راستای سیاست های توسعه ای دولت در بخش کشاورزی به متقاضیان پرداخت می نماید. بانک کشاورزی این تسهیلات را در قالب عقود اسلامی همچون مضاربه، مشارکت و سلف به متقاضیان در بخش کشاورزی پرداخت می نماید.

اصلاح ساختار بازار محصولات کشاورزی

فعالیت در بخش کشاورزی به دلیل تغییرات در محیط کشاورزی از یک طرف و عدم قطعیت در متغیرهای کلان اقتصادی معمولا جز فعالیت های پر ریسک مطرح است. بازار محصولات کشاورزی در ایران از جایگاه بسیار مهم و اساسی در ساختار کل اقتصاد کشور برخوردار است (عبدالله زاده، ۱۳۹۱).

در بخش کشاورزی ایران تولیدکنندگان که به عنوان یکی از عوامل مهم در ساختار بازار محسوب می شوند با مشکلات عدیده ای روبرو هستند که برخی از مهم ترین آن عبارتند از:

- نوسان فصلی محصولات کشاورزی و ناپایداری آن

- عدم شفافیت قیمت محصولات کشاورزی

- نوسان عرضه محصولات کشاورزی

- اطلاع رسانی نامناسب در بازارهای اصلی

- حضور گسترده و چشمگیر دلالان و واسطه ها در بازار

- کمبود و نارسایی مالی مورد نیاز تولیدکنندگان در زمان های مختلف

- فقدان بازار رقابتی فراگیر و یکپارچه در تمام مراحل داد و ستد

- عدم کارایی شبکه بازاریابی و خدمات بازاریابی

اینگونه مشکلات عمدتا در شرایط فقدان یک بازار مناسب در قالب بورس محصولات کشاورزی به وجود می آید. از آن جا که بازار بورس حالت جایگزین برای بازار فعلی محصولات است، با راه اندازی بورس محصولات کشاورزی و با استفاده از اهرم ها و کارکردهای ویژه قادر به مرتفع نمودن این مشکلات در بلندمدت خواهیم بود. با راه اندازی بورس محصولات کشاورزی، ساختار بازار

آن دسته از محصولاتی که در بورس مبادله می شوند، متحول خواهد شد و این امر بر جریان تخصیص منابع و عملکرد بازارها و همچنین بر سطح رقابت و انحصار در اقتصاد کشاورزی ایران بی تاثیر نخواهد بود. با راه اندازی بورس محصولات کشاورزی می توان بازار محصولات کشاورزی را به سمت بازار رقابتی سوق داد. با ایجاد بورس می توان سیستم مناسبی برای برطرف نمودن بازار انحصاری و افزایش کارایی اقتصادی ساختار بازار به وجود آورد (عینالی و همکاران، ۱۳۹۲).

نقش سازمان های غیردولتی در کشاورزی

یکی از راه های پیشرفت در زمینه کشاورزی استفاده از سازمان های غیردولتی به منظور تامین نیازهای بخش کشاورزی می باشد. بخش کشاورزی علاوه بر مسئولیت تامین غذا و بخشی از اشتغال در جامعه، به عنوان منبع تامین مواد اولیه برای بخش های صنعتی و خدماتی متعدد و صادرکننده بخشی از محصولات و فرآورده های کشاورزی محسوب می شود. به منظور دستیابی به فرآیندهای اقتصادی متوازن یا ایجاد ارتباط مناسب بین زنجیره های تولید و تامین مواد و نیز زنجیره های فرآوری تا بازاریابی و مصرف در سطوح مختلف زمانی و مکانی، می بایست ارتباط نهادی بین بهره برداران کشاورزی و نظام صنایع تبدیلی و توزیع کنندگان ایجاد شود. دستیابی به تعادل مذکور به دلیل گستردگی و پراکندگی بخش کشاورزی و نیز تعدد بسیار بهره برداران کشاورزی (حدود ۴/۲ میلیون بهره بردار یا مدیر مزرعه) از یک سو و کاستی در شبکه زنجیره ای تولید تا مصرف از سوی دیگر، بسیار دشوار بوده و تحقق آن لزوماً از طریق بازنگری و بازآفرینی در ساختارهای نهادی این شبکه زنجیره ای امکانپذیر خواهد بود. ایجاد و توسعه ساختارهای نوین نهادی مانند تشکل های بهره برداران (در صورت سازماندهی مناسب) می تواند در تنظیم جریان مواد و محصولات تولیدی متناسب با نیازها و تقاضای بازار به ویژه صنایع تبدیلی و تکمیلی و صادرات بسیار موثر بوده و از سوی دیگر، این ارتباط و تعامل موجب توسعه زنجیره ارزش افزایی و توزیع بهتر منافع مالی در آن خواهد بود. تشکل های غیردولتی بخش کشاورزی در ایران از حیث نوع وظایف، حوزه فعالیت، گستردگی یا محدود بودن حوزه فعالیت، محدوده جغرافیایی تحت پوشش، تعداد اعضا، میزان استقلال و خودمختاری، سازمان کار و تشکیلات، منابع مالی و چگونگی تامین آن و نیز ارتباط با دولت و دستگاه های دولتی با یکدیگر متفاوتند. که این تفاوت ها عمدتاً ریشه در جایگاه حقوقی، مبانی قانونی و زمینه فعالیت آنها دارد. از جمله این تشکل ها می توان، تشکل های تعاونی تحت وزارت جهاد کشاورزی مانند تعاونی تواید کشاورزی، تشکل های تعاونی تحت پوشش وزارت تعاون سابق مانند اتحادیه پرورش گل و گیاه، تشکل های بازرگانی و ... نام برد (اسماعیل زاده و حسینی، ۱۳۹۵).

اشتغال، سرمایه گذاری و ارزش افزوده بخش کشاورزی

براساس آمار بانک مرکزی، بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۳، ۰.۳ واحد درصد در تولید ناخالص داخلی تاثیرگذار بوده است. در سال ۱۳۹۳ ارزش افزوده گروه کشاورزی به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۳ به میزان ۱۳۵۹۱۲ میلیارد ریال برآورد گردید که نسبت به سال قبل ۳/۸ درصد افزایش یافته است. برآوردهای انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که تولید محصولات زراعی و باغی در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال قبل به ترتیب ۸/۱ و ۱/۵ درصد و تولید محصولات اصلی دامی ۴/۹ درصد افزایش یافته است. البته با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد می توان گفت که میزان تاثیرگذاری این بخش نسبت به سایر فعالیت ها بسیار کم بوده است. از سوی دیگر صادرات محصولات کشاورزی در مقایسه با سال ۱۳۹۲ از نظر ارزشی حدود ۲۸ درصد و از نظر وزنی حدود ۲۵

درصد افزایش داشته است. همچنین طبق آماری که مرکز آمار داده است حدود ۱۸ درصد از اشتغال کشور در سال ۱۳۹۳ مربوط به بخش کشاورزی بوده است (امیر تیموری و خلیلیان، ۱۳۸۶)

نتیجه گیری

همچنان که دیدیم، توسعه اشتغال در بخش کشاورزی از طریق عوامل پیشین و پسین مؤثر بر آن میسر بوده و بدون توجه به این عوامل، تحقق سیاست ایجاد اشتغال در کشاورزی همانند گذشته با موفقیت زیادی همراه نخواهد بود. بدین منظور باید به مسأله به صورت پویا نگریت و از مدل های دینامیکی بهره جست. با توجه به نتایج مدل دینامیکی، نقش تنوع کشت (درجه تمرکز) بر اشتغال بسیار مهم است، که می توان با فراهم کردن شرایط آن بدون افزایش هزینه های سرمایه گذاری اشتغال بخش را افزایش داد. نقش اعتبارات پرداختی، بیشتر به سمت مکانیزاسیون (تبدیل آبیاری غرقابی به قطره بارانی، ماشین های برداشت و...) است که طبق مدل های سنجی اثر بسیار اندک مثبتی بر اشتغال نسبت به سایر متغیرها دارد و با در نظر گرفتن مدل دینامیکی نقش آن در درازمدت بر اشتغال منفی می شود، که البته اثر آن بسیار کم می باشد. بنا بر این اعتبارات پرداختی بیشتر باید به سمت سرمایه در گردش (نیروی کار، مواد اولیه) بکارگیری شود. هزینه های خوراکی باعث افزایش اشتغال می شود، اما از طرفی چون بر اعتبارات پرداختی و به تبع آن مکانیزاسیون و بهره وری اثر مثبت دارد، مقداری از آثار مثبت آن بر اشتغال در درازمدت کاسته می شود. از این رو باید در کوتاه مدت مد نظر قرار گیرد. در سیاست گذاری ها با عنایت به رابطه منفی تکنولوژی با اشتغال بخش کشاورزی باید محتاط بود، در درازمدت سرمایه گذاری در تکنولوژی کاربر در بخش کشاورزی نیز مورد توجه قرار گیرد. برای افزایش اشتغال در بخش کشاورزی از بین عوامل بررسی شده در این تحقیق بهترین راهکار افزایش قیمت محصولات کشاورزی و همزمان سیاست های تشویقی در جهت تنوع کشت، و هدفمند کردن اعتبارات پرداختی به سمت سرمایه در گردش و بکارگیری تکنولوژی کاربر در بخش کشاورزی است. نتایج آماری متغیر اعتبارات بانک در روستاهای زاهدان توجه شود. با توجه به مقدار و احتمال آماره t متغیر اعتبارات بانکی که به ترتیب برابر با ۳/۹۶۶۹ و ۰/۰۰۱ است و از آنجا که این احتمال کمتر از ۰/۰۵ می باشد و با توجه به اینکه این تحقیق در سطح اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای ۰/۰۵ صورت می گیرد میتوان بیان نمود که اعتبارات بانک کشاورزی، رابطه معناداری با فقرزدایی دارد. با توجه به ضریب این متغیر که برابر با ۰/۱۳۶۷ (علامت ضریب مثبت است) می باشد، میتوان بیان نمود که رابطه مستقیمی بین این متغیر و متغیر فقرزدایی وجود دارد. به عبارت دیگر، موضوع مقاله، تایید می شود، از سوی دیگر کنترل قیمت کالاهای کشاورزی با توجه به سیاست های متخذ از سوی دولت به جهت حمایت از مصرف کننده موجب شده است که در این بخش سودآوری و انباشت سرمایه در حد سایر بخش های اقتصادی نباشد لذا منابع مالی مورد نیاز برای بخش کشاورزی که در طی سالهای گذشته غالباً از طریق منابع یارانه بانکی تامین شده در سیاست های یکسان سازی نرخ سود بانکها بطور اخص دیده نشده است و در این ارتباط نیاز به ایجاد موسسه مالی و اعتباری صرفاً حمایتی در بخش تامین منابع مالی کشاورزان تحت عنوان بانک توسعه کشاورزی و بانک تعاون کشاورزی با استفاده از منابع ارزان دولتی می باشد.

از مهمترین مشکلات بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی می توان به :

- فصلی بودن تولیدات کشاورزی و فاصله زمانی بین پرداخت ها و دریافت ها (فروش محصولات)

- فساد پذیری محصولات کشاورزی و عدم امکان ذخیره سازی طولانی مدت برای آن

- وجود درصد زیادی از واحدهای بهره بردار کوچک و عدم توان مالی کافی این واحدها جهت بکارگیری ماشین آلات و سیستم های آبیاری با تکنولوژی مدرن
 - بالا بودن هزینه تامین منابع مالی از طریق بازار غیر متشکل پولی
 - پایین بودن میزان سودآوری در این بخش در مقایسه با سایر بخشها
- فقدان اسناد مالکیت زراعی در جهت تامین وثایق تسهیلات بانکی انجام یکی از ضروری ترین برنامه هایی که جهت توسعه و رونق بخش کشاورزی باید صورت گیرد تجاری کردن فعالیت های مرتبط با این بخش است.
- اگر چه سیستم بانکی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به اعطاء تسهیلات در بخش سلف ، خرید دام و ... بطور عام نموده اند لکن از ابتدا بدلیل عدم برنامه ریزی مشخص در این حوزه ها ، اکثر تسهیلات دریافتی صرف هزینه های جاری کشاورزان و یا سایر هزینه های غیر بخش کشاورزی شده است و در این ارتباط نیاز به بهبود و اصلاح سیستم اعتباری بشرح ذیل می باشد:
- ۱- پرداخت اعتبارات بایستی هماهنگ با تقویم زراعی منطقه صورت گیرد.
 - ۲- کنترل و نظارت دقیق بر تخصص اعتبارات ضروری است تا اعتبارات تخصص یافته جهت کارآیی و گسترش فعالیت تولیدی مورد استفاده قرار گیرد.
 - ۳- برقراری یک نظام هماهنگ اعتباری بطوریکه اعتبارات بخش کشاورزی از یک کانال مشخص مدیریت توزیع شود.
 - ۴- اختصاص منابع لازم از طریق بودجه عمومی کشور بصورت سالانه در جهت تامین منابع مالی بخش کشاورزی
 - ۵- انعقاد قراردادهای بانکی در جهت اجرای پروژه های زیربنایی بخش کشاورزی چنانچه زمینه استفاده بهینه از عوامل تولید فراهم نباشد اعتبارات بانکی به تنهایی نمی تواند اهداف توسعه کشاورزی را تحقق بخشد و افزایش کمی آن بایستی توأم با رفع مشکلات ساختاری این بخش صورت گیرد .

منابع و مآخذ

۱. اسماعیل زاده، سیامک و سیدمحمود حسینی، ۱۳۹۵، نقش اعتبارات بخش کشاورزی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: اعتبارات اعطایی بانک کشاورزی در استان تهران)، سومین کنفرانس بین المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش ها با محوریت کشاورزی ، منابع طبیعی ، محیط زیست و گردشگری
۲. باخنده رو، اسماعیل؛ سیدعلی حسینی یکانی و سیدمجتبی مجاوریان، ۱۳۹۶، تخصیص بهینه تسهیلات بانک کشاورزی با اولویت بخش صنایع تبدیلی: مطالعه موردی استان مازندران، کنفرانس بین المللی علوم کشاورزی، گیاهان دارویی و طب سنتی، مشهد، دانشگاه پیام نور خراسان رضوی
۳. باقری، اصغر؛ علیرضا عبدپور و فریبا جوادی، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر عدم بازپرداخت اعتبارات بانک کشاورزی استان اردبیل، اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی با کاربرد الگوی زراعی، همدان، گروه توسعه پایدار کشاورزی

۴. تقی نتاج، غ. ج.، بحری ثالث، ج. و کمرئی، ج. ۱۳۹۲، نقش و جایگاه بانک در نظام تأمین مالی خرد در راستای برنامه فقر زدائی کشور و تحقق مأموریت‌های اجتماعی محوله. نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس توسعه مدیریت پولی و بانکی، ۸ و ۹ بهمن ماه.
۵. دشتی، علی عباس، ۱۳۹۵، بررسی نقش اعتبارات شعب روستایی بانک کشاورزی در توسعه روستاها، همایش بین المللی افق های نوین در علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری
۶. سلیمی غفور؛ منصوری مسعود؛ نجفی بهاءالدین، تاثیر تسهیلات خرد اعطایی بانک کشاورزی بر توسعه ی کشاورزی به تفکیک درجه ی توسعه یافتگی بخش کشاورزی در استان آذربایجان غربی، مقاله ۱، دوره ۵، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۲، صفحه ۱-۲۴
۷. سهرابی وفا، سمیرا. ۱۳۹۲. نقش کارآفرینی در توسعه روستایی با تاکید بر یک-پارچه سازی اراضی کشاورزی، مطالعه مورد: دهستان خراود- شهرستان خداوند، پایان-نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه-ریزی روستایی به راهنمایی جمشید عینالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.
۸. شاهرخی ساردو، صالح و کرمی، آیت اله (۱۳۹۵). تحلیل مؤلفه‌های پیش برنده مشارکت و تأثیر آنها بر عملکرد اقتصادی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان جیرفت). مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۴(۲): ۲۱۲-۱۸۵.
۹. صالحی، مجتبی، رحیمیان، مهدی و غلام رضایی، سعید (۱۳۹۶). تحلیل چالش های صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان. فصلنامه پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۰(۲): ۶۸-۵۷.
۱۰. طالب مرندی، لیلا؛ لقمان رشیدپور و سلیمان رسولی آذر، ۱۳۹۴، بررسی اثرات تسهیلات خرد و کلان بانک کشاورزی بر توسعه مکانیزاسیون کشاورزی شهرستان ارومیه، کنفرانس بین المللی توسعه با محوریت کشاورزی، محیط زیست
۱۱. عبدالله زاده، غلامحسین، کلانتری، خلیل. و همتیار، عبدالهادی. ۱۳۹۱. تحلیل عوامل بازدارنده طرح های تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی: مطالعه موردی منطقه خور و بیابانک، استان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۲: صفحات ۷۷-۵۹.
۱۲. عبدالمهدی عزت آبادی محمد و نجفی بهاءالدین، رآورد نسبت های تامین در بازارهای آتی و اختیار معامله محصولات کشاورزی در ایران و شناخت عوامل موثر بر آن: مطالعه موردی پسته، جله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال دهم، شماره دوم، ص ۱
۱۳. علی وفایی، نظام و علی توحیدی مقدم، ۱۳۹۵، بررسی اثر اعتبارات بانک کشاورزی بر پایداری شهر سبز همدان، همایش ملی دانش و فناوری علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست ایران، تهران، موسسه برگزار کننده همایش های توسعه محور دانش و فناوری سام ایرانیان
۱۴. عزیززاده، کتایون. و کیخا، زهرا. ۱۳۸۹. تاثیر یک-پارچه سازی اراضی بر عملکرد محصولات کشاورزی دهستان لوتک شهرستان زابل، فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، سال ۲، شماره ۳: صفحات ۱۵۲-۱۳۹.

۱۵. عینالی، جمشید، فراهانی، حسین. و سهرابی وفا، سمیرا. ۱۳۹۲. ارزیابی نقش یک-پارچه سازی اراضی کشاورزی در بهبود کارایی عوامل تولید در بهره برداری های آبی، مطالعه موردی: دهستان خرارود- شهرستان خدابنده، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۲، شماره ۱: ۵۱-۶۹.
۱۶. فال سلیمان، محمود، مرادی، محمود. و ابطحی نیا، آمنه. ۱۳۹۰. ارزیابی اثرات یک-پارچه سازی اراضی بر توسعه کشاورزی مناطق روستایی، مطالعه موردی: بخش خوسف شهرستان بیرجند، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، زمستان ۱۳۹۰، سال ۲، شماره ۶: صفحات ۸۵-۶۷.
۱۷. محمدی یگانه، بهروز؛ مهدی چراغی و حدیث شاهرودی، ۱۳۹۶، عوامل موثر بر هزینه کرد اعتبارات کشاورزی در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان زاغه، شهرستان خرم آباد، دومین همایش ملی رویکردهای نوین آمایش سرزمین در ایران، شاهرود، دانشگاه صنعتی شاهرود
۱۸. مظفری، محمدمهدی و ضیائی، محمدصادق (۱۳۹۶). بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر میزان توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه الموت). فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، ۶(۲۴): ۲۴۹-۲۳۱.
۱۹. موحدی، رضا و علی توکلی، فاطمه (۱۳۹۶). تحلیل موانع تجمیع سرمایه های خرد زنان در تعاونی های زنان روستایی شهرستان جیرفت. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۵(۱): ۹۹-۱۳۳.
۲۰. نصراللهی، زهرا؛ سعید بامری و محدثه سادات هاشمی، ۱۳۹۲، نقش و جایگاه نظام تامین مالی خرد در برنامه های فقرزدایی کشور، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس توسعه مدیریت پولی و بانکی
۲۱. نظری، ع. و عادل، ج. ۱۳۹۰. مقایسه میزان اثر بخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آرادشهر. جغرافیا، ۹ (۳۱): ۲۱۴-۱۹۱.
۲۲. وفایی، نظامعلی و کریم نادری مهدی، ۱۳۹۶، نقش اعتبارات خرد بانک کشاورزی بر بعد اقتصادی زندگی خانوارهای آسیب پذیر روستایی شهرستان همدان، فصلنامه مطالعات محیط زیست